



Condition of Iran's foreign trade during The period of post –sanction

Ahmad Purebrahim¹ – Mohammad esmaeelzade²

Abstract

Recent sanction have limited Iran's foreign trade. So achieving high and sustainable growth of economy is very important, if the country's decision – making system does not succeed in realistic nationalist discourse of post – sanction, the economy of post – sanction can be place in a situation that is worse than sanction period so answer to this question is important that the economy of Iran what status can be find in the post – sanction period? And what parts of post – sanction will be solvable. This research by the aim of studying Iran's foreign trade conditions in post – sanction, outlines a series of problems and opportunities in post – sanction, such as lack of existed capacity in global economy degraded energy market, weakness of domestic demand, large unofficial sections. In this study, for gathering information documentary and written references were used. In explaining the perspective of Iran's foreign trade, it should be said that by cutting off sanctions, the global environment for trade with Iran will be more attractive and so there will be more and more resources available, for purchase, another is that exports will definitely boom. Therefore government by its targeted support, must take national production to fix challenges.

Key words: post-sanction, exports, foreign trade, national production.

¹ PhD in Criminal Law and Criminology, Islamic Azad University, Qeshm., Iran.

Purebrahim.ahmad@yahoo.com

² PhD Student PhD Student in Public Law, Islamic Azad University, Sari Branch, Iran.

Mesmaeelzade09@gmail.com



شرایط تجارت خارجی ایران در دوران پساتحریم

احمد پوراابراهیم^۱

محمد اسماعیل زاده^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۱۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۲۰

چکیده

در حال حاضر که تحریم‌های اخیر موجب محدود شدن تجارت خارجی ایران شده، دست‌یابی به رشد اقتصادی بالا و پایدار بسیار حائز اهمیت است. در صورتی که نظام تصمیم‌گیری کشور موفق به گفت‌وگو با طرفین واقع‌گرایانه پساتحریم نشود، اقتصاد پساتحریم می‌تواند در وضعیتی حتی به مراتب بدتر از دوره تحریم ظاهر شود. لذا پاسخ به این سوال اهمیت می‌یابد که اقتصاد ایران در دوران پساتحریم با چه وضعیتی روبرو بوده و اقدامات پساتحریم چگونه باید باشد؟ این پژوهش با هدف واکاوی شرایط تجارت خارجی ایران در دوران پساتحریم، به ترسیم مجموعه‌ای از مشکلات و فرصت‌ها در پساتحریم از جمله عدم بهره‌مندی از ظرفیت‌های موجود در اقتصاد جهانی، بازار تخریب‌شده انرژی، ضعف تقاضای داخلی و بخش غیررسمی بزرگ پرداخته است. در این مطالعه برای جمع‌آوری اطلاعات از روش اسنادی و مراجع مکتوب استفاده شد. در تشریح دورنمای تجارت خارجی ایران باید گفت با قطع تحریم‌ها، فضای جهانی برای تجارت با ایران مهیا تر می‌شود و بنابراین در خرید کالا، منابع مختلف و بیشتری در دسترس خواهد بود. دیگر آن که به طور قطع صادرات رونق زیادی خواهد گرفت. لذا بایسته است که دولت با حمایت هدفمند خود از تولید ملی جهت رفع چالش‌ها اقدام نماید.

واژگان کلیدی: پساتحریم، صادرات، تجارت خارجی، تولید ملی.

^۱ دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی، قشم. ایران (نویسنده مسئول)

Purebrahim.ahmad@yahoo.com

^۲ دانشجوی دوره دکتری دانشجوی دکتری حقوق عمومی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری، ایران.

مقدمه

با وجود آن که تحریم‌های سازمان ملل در ارتباط با برنامه انرژی هسته‌ای علیه ایران از قریب به یک دهه پیش آغاز شده و در مورد آمریکا عمر تحریم‌ها به بیش از سه دهه می‌رسد، آنچه عموماً به عنوان یکی از عوامل موثر بر اقتصاد ایران و از جمله بازرگانی خارجی بررسی می‌شود، مربوط به سال‌های اخیر است. با بررسی تحریم‌ها علیه ایران می‌توان فهمید که تحریم‌ها موجب کاهش شدید دسترسی ایران به بازار سرمایه و فناوری پیشرفته و بالتبع آن اختلال در نظام تولید داخلی شده و توان رشد اقتصادی ایران را به میزان قابل توجهی کاهش داده است. با تشدید اعمال تحریم‌های غرب، انزوای ایران در برقراری مناسبات تجاری به اوج خود رسید و کمبود نقدینگی و محدود شدن گشایش اعتبارهای اسنادی و تامین اعتبارات از طریق فاینانس، رکود، سایه سنگینی بر اقتصاد ایران انداخت. لذا به نظر می‌رسد در بخش بازرگانی خارجی وضعیت نیاز به بررسی بیشتری دارد؛ از یک سو تحریم معمولاً به کاهش ارزش پول ملی کشور هدف منتج می‌شود و این یعنی گرانی نسبی واردات و ارزانی نسبی صادرات که به کاهش کسری تراز بازرگانی منجر می‌شود. از سوی دیگر نمی‌توان از اثرات منفی گرانی نسبی کالاهای وارداتی بر عموم مصرف‌کنندگان داخلی چشم پوشی کرد.

برخی بر این باورند که تحریم‌ها باعث پیشرفت کشور شده به طوری که ما در برخی زمینه‌های اقتصادی و صنعتی به خودکفایی و تولید ملی رسیده‌ایم، اما آنچه نباید فراموش شود تأثیرات منفی تحریم‌ها بر اقتصاد ایران است. یکی از آثار منفی تحریم‌ها کاهش حجم سرمایه‌ها است. وقتی عوامل نهادی برای حل مشکلات اقتصادی فراهم نباشند، تنها تزریق منابع از بیرون می‌تواند تحرک آفرین باشد که این به معنی رشد برون‌زا در مقابل رشد درون‌زا است که مهم‌ترین عارضه آن بی‌ثباتی است. آنچه مسلم است، استراتژی تحریم باعث کاهش رشد اقتصادی و صنعتی، محدود کردن سرمایه‌گذاری‌های خارجی، کاهش ارزش ریال، افزایش نرخ تورم و کاهش تولید، صادرات نفت و گاز می‌گردد. یکی

از مقدمات کلیدی برای تغییر شرایط حاکم بر اقتصاد، برطرف شدن محدودیت‌های بین‌المللی از سر اقتصاد ایران است و در شرایطی که امکان توسعه بازارها پیش روی اقتصاد کشور قرار گیرد، به طور حتم فضای توسعه و افزایش سهم بخش خصوصی در اقتصاد ایران هم مهیا خواهد شد. هرگونه بهبود وضع اقتصادی تدریجی خواهد بود. با رفع تحریم‌ها، فعالان اقتصادی با امید بیشتری به آینده اقتصاد و سیاسی کشور چشم دوخته و افق‌های تازه‌ای پیش روی اقتصاد کشور قرار می‌گیرد و حجم تجارت و سرمایه‌گذاری‌های خارجی به شکل قابل توجهی افزایش خواهد یافت (کوه زاد، ۱۳۹۴: ۱۱). بدیهی است که دولت باید برای دوران پساتحریم برنامه‌ریزی‌های لازم را انجام دهد، چراکه اگر این دوران به‌درستی مدیریت نشود می‌تواند مشکلات جدی‌تری نسبت به زمانی که ایران در تحریم بود، برای اقتصاد کشور به وجود بیاورد. در شرایط دشوار موجود، میزان وفاق در مورد ریشه مشکلات و راه‌حل‌های آنها، در میان نهادها و افراد موثر در سیاست‌گذاری، با حد مطلوب فاصله زیادی دارد. در صورتی که نظام تصمیم‌گیری کشور موفق نشود گفتمان ملی واقع‌گرایانه و مسالمت‌آمیز پساتحریم را از هم‌اکنون جایگزین چالش مخرب ذکر شده کند، اقتصاد پساتحریم می‌تواند در وضعیتی حتی به مراتب بدتر از دوره تحریم ظاهر شود. این پژوهش تلاشی است برای بیان مشکلات اقتصاد ایران و انتخاب‌های بسیار مهمی که در مسیر پرچالش پساتحریم پیش روی نظام تصمیم‌گیری کشور قرار دارد. بنابراین این سوال اهمیت می‌یابد که اقتصاد ایران در دوران پساتحریم با چه وضعیتی روبرو بوده و اقدامات پساتحریم چگونه باید باشد؟ لذا بدیهی‌ترین فرضیه می‌تواند این‌گونه باشد که رونق واردات و صادرات به عنوان مهم‌ترین پیامدهای اقتصادی پساتحریم تلقی گردیده و تدوین یک برنامه ملی در قالب سیاست‌های اقتصاد مقاومتی جهت حمایت از تولید ملی و دستیابی به رشد اقتصادی ضروری است. در این مطالعه برای جمع‌آوری اطلاعات از روش اسنادی و مراجع مکتوب استفاده شده است و با هدف واکاوی شرایط تجارت

خارجی ایران در دوران پساتحریم، به ترسیم مجموعه‌ای از مشکلات و فرصت‌ها در پساتحریم می‌پردازد.

رهیافت نظری

پساتحریم یک عنوان معطوف به زمان معین است، یعنی به طور مشخص در گام اول باید تحریم‌های تحمیلی برچیده شده و پس از آن دوران پساتحریم شکل گیرد. طی سال‌های نزدیک آینده، نظام تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری کشور در معرض آزمونی بزرگ قرار خواهد گرفت و مشخص خواهد کرد که تا چه اندازه می‌تواند از یک طرف منابع مورد نیاز داخلی و خارجی را تجهیز کند و از طرف دیگر بهره‌وری منابع مورد استفاده را افزایش دهد. از یک سو الزامات نهادی رشد بنگاه‌های اقتصادی یا فراهم نیست یا در ضعف به سر می‌برد و در غیاب این الزامات، تزریق درآمدهای نفتی که منشاء رشد بوده با افت شدید مواجه شده و از سوی دیگر اقتصاد ایران برای سال‌های نزدیک آینده نیازمند رشد سریع و پایدار به منظور غلبه بر مشکل بیکاری و دیگر مشکلات پیش رو است.

مشکل اقتصادی ایران صرفاً تحریم نیست و رفع اثر تحریم‌ها ممکن است بخشی از شرایط کنونی اقتصاد ایران را بهبود بخشد اما تاثیر رفع تحریم‌ها بر حل بخش دیگر از آن‌ها، از مسیر فضایی اعمال می‌شود که مبتنی بر پیش‌بینی پذیری اقتصاد و چشم‌انداز امیدوارکننده و مثبت نسبت به آینده ایجاد می‌شود. نظام تصمیم‌گیری کشور اینک در معرض انتخابی تعیین‌کننده بر سر یک سه راهی قرار گرفته که هر یک از این راه‌ها به مقصدی جداگانه منتهی می‌شود. در اقتصاد ایران برخی از مشکلات اقتصادی کشور را که اکنون مساله اصلی و مانع مهم بر سر راه دستیابی به رشد بالای اقتصادی می‌باشند، به شرح زیر برشمرد (نیلی، ۱۳۹۴):

چالش تامین مالی بنگاه‌های اقتصادی: نظام بانکی در شرایط حاضر اقتصاد کشور به‌طور جدی دچار یک اختلال اساسی در تامین وجوه نقد مورد نیاز فعالیت‌های اقتصادی،

می‌باشد. تنگنای مالی موجود را می‌توان مهم‌ترین تهدید برای دستیابی به یک رشد اقتصادی قابل قبول و تورم تک‌رقمی دانست.

عدم بهره‌مندی از ظرفیت‌های موجود در اقتصاد جهانی: امروزه کشورهای مختلف جهان موفق شده‌اند بسیاری از موانعی را که طی سالیان متمادی برای ارتقای سطح رفاه مردم‌شان بر سر راه داشتند با توسعه روابط بین‌الملل از میان بردارند. یکی از مهم‌ترین این موانع، تامین منابع مالی و دیگری دسترسی به تکنولوژی و بازار است. اعمال تحریم‌های ظالمانه علیه مردم ایران باعث شد که ارتباط با نظام اقتصاد جهانی دچار اختلالی اساسی شود. این اختلال امروز خود را در قالب هزینه‌های بالای تامین مالی و عدم دسترسی به بازار مطمئن برای فروش محصولات و تعمیق شکاف تکنولوژیک و دسترسی کم‌هزینه به عواید حاصل از آن نمایان ساخته است.

بازار انرژی: بنا به گزارش «بریتیش پترولیوم» در سال ۲۰۱۴ میلادی، ایران از لحاظ منابع نفتی رتبه چهارم و از لحاظ منابع گازی رتبه اول جهان را در اختیار دارد، لکن در رتبه بندی عمده‌ترین کشورهای تولیدکننده گاز طبیعی در دنیا، کشور ایران با یک فاصله قابل توجه بعد از کشورهای آمریکا و روسیه در رتبه سوم قرار دارد.^۱ از طرفی از حیث میزان مصرف انرژی به ازای هر واحد تولید، در شمار کشورهای پرمصرف جهان شناخته می‌شود. عدم سرمایه‌گذاری قابل قبول در حوزه انرژی از یک طرف و رشد بالای مصرف از طرف دیگر، عدم تعادل‌های نگران‌کننده‌ای را برای آینده به وجود آورده است.

نظام بنگاهداری ناکارآمد: تولید محصول گران و با کیفیت پایین مبتنی بر منابع طبیعی

محیط مالکیتی بنگاه‌های اقتصادی عمدتاً به دو حوزه مالکیت دولتی و مالکیت خصوصی - البته با تفوق محسوس مالکیت دولتی - تقسیم می‌شود. اعلام سیاست‌های کلی اصل ۴۴

^۱-www.bp.com/content/dam/bp/pdf/Energy-economics/statistical-review-2014/BP-statistical-review-of-world-energy-2014-full-report.pdf

قانون اساسی این امید را ایجاد کرد که ساختار مالکیتی بنگاه‌های اقتصادی اصلاح شده و از این طریق نظام انگیزشی مناسبی برای ارتقای کارآیی بیشتر در ساختار تولید شکل گیرد. شیوه نامناسب واگذاری‌های صورت گرفته در قالب انتقال مالکیت بنگاه‌های دولتی به نهادهای حاکمیتی غیردولتی، منجر به شکل‌گیری پدیده‌ای جدید از نظر ساختار بازار و مالکیت شد. پس از واگذاری‌های انجام شده، دو حوزه مالکیتی دولتی و خصوصی، به پنج حوزه: حاکمیتی غیردولتی، دولتی، سهام عدالت، رد دیون و بالاخره خصوصی تبدیل شده است. اینک با ترسیم چشم‌انداز برداشته شدن تحریم‌ها و به وجود آمدن امکان بالقوه توسعه فعالیت‌های بخش خصوصی از یک طرف و ورود سرمایه‌گذاران مستقیم خارجی از طرف دیگر، سوال مهم این است که محیط فعالیت‌های اقتصادی چگونه خواهد بود. مشخص شدن شکل جدید فعالیت‌های اقتصادی به اندازه‌ای اهمیت دارد که می‌تواند به‌طور کلی منجر به عدم توسعه فعالیت بخش خصوصی و عدم حضور سرمایه‌گذار خارجی در بسیاری از زمینه‌ها شود.

ضعف تقاضای داخلی: بسیاری از صنایع کشور اکنون با مشکل بزرگ موجودی انبار مواجه هستند. از سوی دیگر تحریم‌ها و نا امنی‌های منطقه‌ای در کنار افت شدید بازار محصولات اولیه در جهان، صادرات محصولات تولید شده در این بخش را با مشکل مواجه کرده است. افزون بر این، به دلیل نگرش مثبت نسبت به شرایط پسانتحریم، افکار عمومی تصور می‌کنند کالاهای مصرفی بادوام پس از لغو تحریم‌ها ارزان خواهد شد و گروهی از مردم با این تصور خرید خود را به تعویق انداخته‌اند. این موضوع نیز مزید بر دیگر دلایل کاهش تقاضا شده است.

بخش غیررسمی بزرگ: ظرف ۱۰ سال گذشته بخش غیررسمی در اقتصاد ایران حداقل در دو زمینه به‌صورت جهشی بزرگ شده است. شکل‌گیری موسسات پولی و اعتباری غیرمجاز و جمع‌آوری حجم بزرگی از پس‌انداز پولی مردم با پرداخت سودهای بالا، به‌عنوان پدیده‌ای عجیب مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. بروز این پدیده تحت تاثیر رشد بالای

حجم نقدینگی، در کنار بی‌انضباطی گسترده مالی و پولی دوره‌ی وفور نفتی و برخی عوامل دیگر، باعث شده است سیاست‌گذاری پولی و تحت کنترل درآوردن تورم با آسیب‌های زیاد مواجه شود.

ایران در دوران تحریم و پسا تحریم

طی دوران تحریم، واردات و صادرات هر دو دستخوش تغییر شدند که نتیجه آن بهبود وضعیت تراز بازرگانی ایران بوده است. با افزایش تحریم‌ها و کاهش ارزش پول ملی، تراز بازرگانی کشور نیز بهبود پیدا کرد. به نظر می‌رسد لغو تحریم از طریق همان کانال‌هایی که منجر به بهبود وضعیت تراز بازرگانی ایران شد، بر وضعیت بازرگانی خارجی ایران موثر افتد. یعنی پیش‌بینی می‌شود طی بازه میان‌مدت چندساله، مجدداً رشد واردات از صادرات پیشی بگیرد. در میان‌مدت و بلندمدت، سیاست‌های محیط کسب و کار، فضای اقتصاد کلان، وضعیت بنگاه‌ها و به‌طور کلی تمامی عواملی که خود را در مزیت نسبی نشان می‌دهند بر تراز بازرگانی کشور تاثیرگذار خواهند بود. واقعیت این است که روند روبه‌رشد کسری تراز بازرگانی در سال‌های پیش از تحریم، در صورت ارزش‌گذاری بیش از اندازه ارزش پول ملی، می‌تواند در سال‌های پس از تحریم هم تکرار شود. در کوتاه‌مدت اما وضعیت متفاوت خواهد بود. عمده عواملی که موجب بهبود وضعیت تراز بازرگانی ایران در کوتاه‌مدت به‌ویژه پس از لغو تحریم خواهند شد، کاهش هزینه و محدودیت واردات مواد اولیه، کاهش مشکلات دریافت پول حاصل از صادرات، بهبود وضعیت گشایش اعتبار و کاهش ریسک‌های وارده بر صادرکنندگان خواهد بود که در صورت اتخاذ سیاست‌های حمایتی توسط دولت، تاثیر این عوامل دو چندان خواهد بود. لذا برخلاف میان‌مدت، در کوتاه‌مدت انتظار می‌رود لغو تحریم‌ها گره از پای تولیدکنندگان و صادرکنندگان بگشاید. در بخش واردات پیش‌بینی می‌شود رشد طبیعی واردات و همچنین حمایت‌های سیاسی، تا حدی اثر کاهش مبادلات تهاتری را خنثی کند. لغو تحریم موجب تغییر عرضه و تقاضای

ارز نیز خواهد شد که این عامل نیز به نوبه خود بر قیمت دلار و مبادلات بازرگانی تاثیرگذار خواهد بود.

کارشناسان بر این باورند که چنانچه دو بال تجارت خارجی کشور به صورت هم‌زمان تقویت شده و واردات نیز به سمت کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای یا مواد اولیه تولید پیش رود، آن زمان است که حتی می‌توان واردات را نیز بر صادرات پیشی داد و اگرچه در ظاهر تراز تجاری منفی را تجربه کرد اما در باطن، رونق تولید و در نهایت صدور کالاهای با کیفیت را شاهد بود؛ بنابراین نکته اصلی این است که نباید تراز تجاری خارجی کشور مثبت باشد و اما صادرات و واردات در نازل‌ترین سطح خود قرار گیرد. اگرچه صادرات از واردات در سال جاری پیشی گرفته و به نوعی تراز تجاری ایران مثبت شده است اما به هر حال حجم کل تجارت خارجی ایران کاهش یافته است که این زنگ خطری برای کاهش درآمدهای ارزی و البته کاهش تامین مواد اولیه مورد نیاز بخش تولید کشور یا به روز رسانی تکنولوژی‌ها و نوسازی ماشین‌آلات بخش صنعت است. به هر حال به نظر می‌رسد که بزرگ‌نمایی آماری آن هم با مثبت نشان دادن تراز تجاری کشور بدون دقت به روند کاهشی واردات و صادرات خود حکایتی دارد که باید دولت به آن بیش از این توجه کرده و اجازه ندهد که حجم تجارت خارجی کشور آن هم درست در زمان‌هایی که هیات‌های خارجی مدام رفت و آمد می‌کنند، کاهش یابد.

کانال‌های تاثیرگذاری تحریم

مهم‌ترین تاثیر تحریم بر بازرگانی خارجی، به علت محدودیت‌های وضع شده بر اسامی اشخاص و شرکت‌ها، مبادلات کالاهای خاص و نقل و انتقال پول بوده است. طی دوران تحریم محدودیت‌های متعددی در زمینه مبادلات بازرگانی وضع شد که البته اغلب آنها کماکان پابرجا هستند. لیست اشخاص، گروه‌ها و شرکت‌های منتشره توسط دفتر کنترل دارایی‌های خارجی (OFAC) دپارتمان خزانه‌داری آمریکا، که به اختصار SDN نامیده می‌شود، نمونه بارز محدودیت‌های بازرگانی مستقیم به شمار می‌رود. در زمستان سال

۱۳۹۰، اتحادیه اروپا تصمیم به تحریم بانک مرکزی ایران گرفت و متعاقباً جامعه جهانی ارتباطات مالی بین بانکی، که عموماً با نام اختصاری آن یعنی «سوئیفت» شناخته می‌شود، نیز ارائه خدمات را به بانک‌ها و موسسات بازرگانی ایران متوقف کرد. تحریم بانک مرکزی و بسیاری از بانک‌های ایرانی بیش از تحریم‌های بازرگانی بر وضعیت بازرگانی خارجی ایران تاثیر گذاشت؛ اما نتوانست مبادلات بازرگانی ایران را از حد معینی کمتر کند و البته موجب افزایش هزینه مبادله شد. از سویی برای دریافت و پرداخت پول، با طولانی شدن مسیر و تعداد واسطه‌ها، هزینه‌ها افزایش یافت و همزمان نیز تحویل کالا توسط واسطه‌ها بر قیمت‌های نهایی تاثیرگذار بود (فروزنده، ۱۳۹۴: ۱۷-۱۶).

تحریم‌ها بر کشورهای مبدا و واردات و مقصد صادرات نیز تاثیرگذار بوده‌است. در نهایت نیز می‌توان از تاثیر کاهش ارزش پول ملی در اثر تحریم بر بازرگانی خارجی ایران گفت؛ گرانی نسبی کالای وارداتی همزمان با کاهش درآمدهای ارزی، موجب کنترل واردات شد. همزمان افزایش نرخ ارز، درآمد حاصل از صادرات را افزایش داد باوجود این، افزایش نرخ ارز به کاهش بیشتر مزیت نسبی ایران در تولید محصولاتی که به واردات کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای از خارج از کشور نیازمند بودند نیز منجر شد که رکود برخی از واحدهای صنعتی را می‌توان نمونه بارزی از آن دانست.

دورنمای تجارت خارجی ایران در دوران پساتحریم

با لحاظ کردن عدم قطعیت در پیش‌بینی آینده و اینکه هنوز مشخص نیست کشور به طور دقیق از چه امکانات و تسهیلاتی برخوردار خواهد شد و همچنین با توجه به اینکه محدودیت‌هایی در داخل وجود دارد که معلوم نیست تا چه حد بهره‌گیری از این گشایش‌ها را ممکن سازد، مواردی را به صورت «بالقوه» از منظر اقتصادی می‌توان قابل تصور دانست. در تشریح دورنمای تجارت خارجی ایران در دوران پساتحریم، می‌توان تغییرات تبادلات تجاری ایران را به شرح ذیل برشمرد (نیلی، ۱۳۹۴):

لغو محدودیت در صادرات نفت خام

نخستین گشایش بالقوه این است که فضای مثبتی برای تجارت ایران فراهم خواهد شد و ظرفیت‌های بسیاری برای صادرات فراهم گشته و محدودیت‌های پیرامون صادرات نفت خام از میان برداشته می‌شود. لذا می‌توان امیدوار بود از طریق افزایش صادرات نفت خام، به درآمدهای ارزی کشور اضافه شود. از این طریق مبلغی به منابع دولت اضافه خواهد شد.

فراهم آمدن امکان تامین مالی خارجی

به شکل طبیعی پس از لغو تحریم‌ها، امکان تامین مالی از طریق فاینانس فراهم می‌شود. چنین امکانی می‌تواند سهولت و کاهش هزینه‌های مبادلاتی را به دنبال داشته باشد. ضمن اینکه گام مهمی برای بازگشت به رویه‌های صحیح و اقتصاد شفاف به جای رویه‌های ناصحیح و غیرشفاف محسوب می‌شود.

فراهم آمدن امکان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی

علاقه سرمایه‌گذاران خارجی به فعالیت در ایران نشانه خوبی برای فراهم آوردن امکان جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی محسوب می‌شود. اما پرسش مهم این است که در فضای به شدت رقابتی منطقه، آیا سرمایه‌گذار خارجی حاضر است در کشوری که مشکلات کسب و کار دارد، سرمایه‌گذاری کند؟ در چه زمینه‌هایی مزیت‌هایی خواهیم داشت؟

افزایش صادرات غیرنفتی

در حال حاضر صادرات غیرنفتی به کشورهای خاصی محدود شده است. چنانچه منابع مالی به‌عنوان پشتوانه تولید ملی مورد استفاده قرار گیرد، صادرات غیرنفتی افزایش می‌یابد.

امکان انتقال تکنولوژی به کشور

یکی از گشایش‌هایی که در دوران پساتحریم قابل تصور است، انتقال تکنولوژی به کشور و نیز برقراری ارتباط با بازار تکنولوژی در جهان است. در پساتحریم فضای جهانی برای

تجارت با ایران مهیا تر می‌شود و می‌توان کالا را از منابع مختلف خرید و در فضای رقابتی، کالای ارزان‌تر تولید نمود (خسرو تاج، ۱۳۹۴).

کاهش هزینه واردات

شرایط تحریم هزینه‌های سنگینی را به تجارت خارجی کشور تحمیل کرده است. چنانچه تحریم‌ها لغو شود، هزینه مبادله و دسترسی به بازارهای جهانی با کاهش مواجه خواهد شد.

برقراری ارتباط نظام بانکی کشور با نظام بانکی بین‌الملل

برقراری ارتباطات بانکی، یکی از پیامدهای مهم لغو تحریم‌ها به شمار می‌رود. طی بیش از یک دهه اخیر هر چه نظام بانکی در جهان محافظه‌کار تر شده، در ایران، نوع قواعد بانکی، دخالت‌های مکرر دولت در نظام بانکی کشور و شکل‌گیری پدیده عجیب موسسات غیرمجاز مالی و اعتباری، به عقب‌ماندگی بیش از پیش نظام بانکی کشور دامن زد که در نتیجه‌ی آن، شکاف میان بانک‌های ایرانی و بانک‌های جهان افزایش قابل توجه پیدا کرده است. با این وجود می‌توان به امکان برقراری ارتباط میان بانک‌های سالم‌تر داخلی با نظام بانکی دنیا برای دوره گذار امیدوار بود.

اقدامات لازم برای رشد اقتصاد ایران در پساتحریم

تقویت اقتصاد داخلی با طرح اقتصاد مقاومتی را بطور خلاصه می‌توان اقتصادی عنوان کرد که در آن علاوه بر تعامل پویا با دنیای خارج و استفاده از امکانات تجارت آزاد، امنیت اقتصادی کشور حفظ شده و نوسانات محیط بین‌المللی اقتصادی و تهدیدهای آن، کمترین تاثیر سوء را در روند بلند مدت متغیرهای کلان اقتصاد داشته باشد. چنین اقتصادی مسلماً باید از تمام توانمندی‌های خود برای استفاده حداکثری از ظرفیت‌ها استفاده کرده و تلاش کند بر روی منحنی امکانات تولید حرکت کند. در یک اقتصاد مقاومتی، نباید تمرکز بیش از اندازه بر روی یک یا چند بخش یا ظرفیت اقتصادی کشور تکیه شود، بلکه باید تلاش شود تا همه ظرفیت‌های اقتصاد به حداکثر بهره‌برداری از توان خود برسند. این موضوع به خصوص در مورد اقتصاد ایران از اهمیت به‌سزایی برخوردار است. اقتصاد ایران

دارای ظرفیت های بالایی بوده و به لحاظ موقعیت جغرافیایی در موقعیت ویژه ای قرار گرفته است. ایران از ظرفیت ترانزیتی بالایی برخوردار است و می تواند پل ارتباطی میان آسیا و اروپا را برقرار سازد زیرا یکی از کوتاه ترین مسیرها در زمینه ارتباط بین آسیای میانه و اروپاست. همچنین ایران دارای ظرفیت بالایی به لحاظ تنوع آب و هوایی است. تنوع آب و هوایی در ایران باعث شده است تا ایران به لحاظ موقعیت توریستی شرایط ویژه ای داشته باشد. یکی از دیگر ظرفیت ها و مزیت های اقتصاد ایران، نیروی کار جوان و تحصیلکرده می باشد. سرمایه گذاری بر روی تحصیلات عالی و تحصیلات تکمیلی طی سال های پس از انقلاب باعث شده تا نیروی کار جوان و تحصیلکرده زیادی در حال حاضر در بازار کار فعال باشد که این موضوع هم یک فرصت و هم یک چالش محسوب می شود، اما به طور کلی وجود نیروی کار جوان و تحصیلکرده یک فرصت است که در حال حاضر کشور ما می تواند از آن بهره برداری کند. به طور کل در اقتصاد مقاومتی باید تلاش شود تا ضمن توجه به متنوع سازی منابع، از تمامی ظرفیت های اقتصاد استفاده شود (بشارت و ارسلان بد، ۱۳۹۹: ۱۱۶). در این بخش به برخی اقدامات که ضرورت دارد در دوران پساتحریم مورد توجه قرار گیرد، اشاره می شود (نیلی، ۱۳۹۴):

اجتناب از افتادن در ورطه اقتصاد وارداتی: نخستین و مهم ترین مسئله دوران پساتحریم آن است که کشور بار دیگر به بازار ارزان محصولات وارداتی تبدیل نشود. اشتغال در راس اولویت ها قرار دارد و منابع محدود به جای آنکه برای کارگران دیگر کشورها شغل ایجاد کند باید صرف ایجاد شغل برای جوانان و زنان ایرانی شود. در عرصه نظام تصمیم گیری و از نظر محتوایی، سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی چارچوب مناسبی برای وفاق در شرایط دشوار کنونی است. سیاست های اقتصاد مقاومتی، رشد پایدار اقتصادی را مورد تاکید قرار داده است. در این سیاست ها، موارد متعددی در حوزه تصمیم گیری که سال ها در مورد آنها مناقشه وجود داشته؛ مانند تعامل با جهان، صادرات گرایی، وابستگی بودجه به نفت، توسعه بخش نفت، خودکفایی و موارد دیگر

تعیین تکلیف شده است. در سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی بر رشد درون‌زا و برون‌گرا تاکید شده درحالی که در شرایط کنونی، رشد اقتصاد در ایران فاقد ویژگی‌های ذکر شده است (Taaajeraan, 1395).

ایجاد فضای رقابتی سالم برای بنگاه‌ها: بنگاه‌های اقتصادی داخلی و خارجی باید از این امکان بهره‌مند شوند که در فضای رقابتی شفاف و سالم با یکدیگر همکاری کنند.

عدم تضعیف بخش خصوصی: اینکه در دوران پساتحریم بخش خصوصی بتواند با بنگاه‌های خارجی ارتباط برقرار کرده و از این طریق توسعه پیدا کند نیاز به توجه خاص دارد. همه کشورهایی که در مسیر توسعه گام برداشته‌اند، چهار اصل شفاف را در دستور کار قرار داده‌اند. اصل اول، حیطه آزادی عمل بخش خصوصی است. اصل دوم حیطه دخالت‌های دولت است. اصل سوم نحوه تعامل با دنیا است و اصل چهارم تعریف نظام حمایتی است. به این ترتیب ضروری است حیطه عمل و میدان فعالیت دولت و بخش خصوصی به درستی ترسیم شود تا بخش خصوصی بازنده شرایط جدید نباشد.

توجه به عدم ایجاد زمینه‌های بروز بدهی‌های خارجی و بحران ارزی: در صورتی که ریسک فعالیت‌های اقتصادی در ایران بالا ارزیابی شود، منابع خارجی فقط با تضمین‌های دولتی در اختیار قرار خواهند گرفت که در این صورت خطر بروز بحران بدهی‌ها و بحران ارزی متعاقب آن بالا خواهد بود. با توجه به اینکه به لحاظ علمی امکان اجتناب از بروز بحران ارزی با استفاده از مدل‌های پیش‌بینی وجود دارد، ضروری است تلاش شود از تکرار تجربیات تلخ گذشته اجتناب شود.

عدم تضعیف ظرفیت‌های تولیدی شکل‌گرفته داخل در دوران تحریم: در دوره تحریم برخی از واحدهای تولیدی توانستند به قابلیت‌های خوبی برای رقابت با محصولات مشابه خارجی دست پیدا کنند. اتخاذ سیاست‌های مناسب ارزی و تجاری به گونه‌ای که حفظ و توسعه این توانمندی‌ها را مدنظر قرار داده از اهمیت زیاد برخوردار است. تولیدکنندگان باید سعی کنند در برابر واردات کالا به داخل کشور بتوانند مقوله

صادرات کالا به دیگر کشورها را نیز داشته باشند؛ بدون شک بعد از برداشتن شدن تحریم‌ها شاهد حضور نمایندگان و تولیدکنندگان غربی در کشور خواهیم بود. لذا باید ورود تولیدات اروپایی با یک برنامه‌ریزی مناسب انجام گیرد (دربانیان، ۱۳۹۴).

چشم انداز سرمایه گذاری خارجی در پساتحریم

در صورت لغو تحریم‌ها به سبب وجود فرصت‌های سرمایه‌گذاری استثنایی و همین‌طور بازگشت امنیت سرمایه‌گذاری به کشور در پساتحریم سرمایه‌های خارجی کلانی به ایران تزریق خواهد شد و تبعات اقتصادی مثبتی برای کشور خواهد داشت. اما آنچه با احتمال سرازیر شدن سرمایه‌های خارجی به اقتصاد کشور مهم تلقی می‌شود نوع این سرمایه‌گذاری‌ها و رابطه آن با شاخص‌های اقتصادی کشور است. این سرمایه‌ها باید اصولی و در راستای برطرف کردن نیازهای کشور صورت گیرد و بیشترین نفع را برای کشور داشته باشد. حجم بالای نیروی متخصص بیکار در کشور و پایین بودن سطح تکنولوژی و فناوری در کنار نیاز ایران به زیرساخت‌ها مسیر جذب سرمایه را به‌خوبی نشان می‌دهد. بی‌شک باید در کنار جذب سرمایه در بالاترین سطح ممکن به گونه‌ای قراردادها را تنظیم نمود که در قالب آن تکنولوژی بومی شود، بیکاری کاهش یابد، نیروی انسانی ماهر تربیت شود که در آینده زمام امور را به‌طور مستقل در دست بگیرد (نصر اصفهانی، ۱۳۹۴).

اگرچه لغو تحریم‌ها اثر مثبت کوتاه‌مدت را بر رشد اقتصاد ایران بر جای خواهد گذارد، اما ارتقای روابط خارجی و توسعه همکاری‌ها با قدرت‌های بزرگ اقتصادی می‌تواند رشد اقتصادی بلندمدت کشور را ارتقا دهد و تضمین کند. در یک افق بلندتر نگاه به سند چشم‌انداز اقتصاد ایران در سال ۱۴۰۴ نیز مفید است. در حال حاضر با تحولات چند سال گذشته، اقتصاد ایران فرصت‌های زیادی را برای دستیابی به اهداف سند چشم‌انداز از دست داده است (زمان زاده، ۱۳۹۴). در صورت برداشته شدن تحریم‌ها، انگیزه بسیاری برای توسعه همکاری با شرکت‌های خارجی در کشور به وجود خواهد آمد (بهرامن، ۱۳۹۴).

پارامترهای جذب سرمایه‌گذاری در تمام دنیا تقریباً یکسان و تعریف شده است. امنیت برای سرمایه و سرمایه‌گذار، نبود شوک‌های سنگین در اقتصاد، وجود یک سیستم بانکی کارآمد، ارتباط با شبکه‌های بین‌المللی پول و سرمایه، وجود یک قانون کار منصفانه و منطقی براساس منافع طرفین، نبود فساد اداری و مالی، بالا بودن بهره‌وری نیروی انسانی، قدرت و سرعت نقدشوندگی سرمایه‌گذاری‌ها، داشتن یک بورس واقعیت‌گرا و غیرحبابی، سیستم حمل‌ونقل مطمئن و با کیفیت بالا، وجود یک گمرک چابک و سریع، عدم وجود قوانین بازدارنده و دست و پا گیر، پابندی به قوانین موجود و پرهیز از قانون‌گریزی یا تفسیر قوانین به نفع خود، وجود برنامه و مدیریت مطلوب در کشور موردنظر، وجود استراتژی برای توسعه در هر بخش، پایین و مناسب بودن پارامترهای مرتبط با اقتصاد براساس معیارهای بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول، دولتی نبودن اقتصاد، بالا بودن قدرت خرید مردم، نبود تورم بالا و رکود سنگین و به‌طور کلی نبود بیماری هلندی در اقتصاد، تضمین خروج آسان سود یا اصل سرمایه و پایین بودن درجه ریسک سرمایه‌گذاری از مهم‌ترین این پارامترهاست (پورفلاح، ۱۳۹۴).

چشم‌انداز رشد ایران در پساتحریم

بانک جهانی در گزارش دوسالانه «چشم‌انداز اقتصاد جهانی» ضمن پیش‌بینی‌هایی از روند اقتصاد جهانی در سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۷ به ارائه سناریوهایی در مورد اقتصاد ایران در دوره پساتحریم پرداخته است و پیش‌بینی کرده است که در صورت توافق با جامعه جهانی، ایران می‌تواند به رشد پایدار حداقل ۶ درصدی دست یابد که این رشد می‌تواند بین ۲ الی ۲/۵ درصد رشد اقتصادی منطقه را افزایش دهد. در ادامه این گزارش ۱۹۹ صفحه‌ای به موضوع تورم ۱۵ درصدی در ایران پرداخته شده است. حذف یارانه انرژی و استفاده از مزیت صادراتی از مهم‌ترین توصیه‌های این نهاد جهانی برای اقتصاد ایران است (News.tccim, 1394).

مسیر آینده توسعه ایران

توسعه یافتگی امری جهان شمول است. هیچ کشوری بدون ارتباطات بین المللی پیشرفت نمی کند؛ رقابت یک بحث بین المللی است؛ از نظر فرمولی هیچ کشوری را نداریم که در فضای داخلی کشور خود فکر، تولید و رقابت کند و بخواهد تولید ناخالص داخلی نسبت به شاخص های کلان داشته باشد اما این امر با جهانی شدن محقق می شود. الگوی توسعه یافتگی می تواند بومی باشد اما اصول توسعه یافتگی، جهانی است و هر کشوری باید شرایط، زمینه ها و پتانسیل خود را بررسی کرده و مشاهده کند که در چه زمینه هایی استعداد تولید ثروت را دارد. هیچ کشوری بدون تمرکز در یک حوزه نمی تواند در تولید ثروت ملی موفق باشد. عدم تمرکز در یک حوزه موجب پراکنده شدن بودجه و منابع شده و توسعه با کندی اتفاق می افتد. پیشرفت با جهانی شدن اتفاق می افتد. همچنین توسعه یافتگی را باید مردم و حکمرانان بخواهند و از این منظر توسعه، مفهومی خاص و وابسته به عوامل درونی یک کشور است. حکمرانان باید تصمیم بگیرند که کشور پیشرفت کند و میان جریان ها میانجی باشد. افرادی که کشور را اداره می کنند باید نگاهی به چشم انداز جهانی شدن داشته باشند. برای جهانی شدن نیاز به دانش دقیق می باشد، داشتن آمار دقیق نسبت به تحولات جهانی موضوع مهمی است. بنابراین، باید برای تمام دولت ها چشم انداز و اهداف یکسان تعیین شده باشد زیرا نمی توان در مدار حکمرانی چندین مکتب فکری داشت. اگر هدف، توسعه و کارآمدی است تمامی جریان ها، نهادها و دستگاه های اجرایی باید به مشترکاتی در اولویت بندی و جهت گیری ها دست یابند (سریع القلم، ۱۳۹۴).

نتیجه‌گیری

در پساتحریم کشورهای مختلف برای دستیابی به بازار ایران وارد کشور می‌شوند، به همین دلیل ممکن است به تولیدات کشور آسیب‌های جدی وارد شود. در این دوره ممکن است تولیدات ایران با قیمت بالاتر و کیفیت پایین‌تری نسبت به کالاهای مشابه غربی وارد بازار شود، دلیل آن‌هم تحریم‌ها و عدم دسترسی به فناوری پیشرفته در قیاس با برخی کشورها است، بنابراین این فضا نیاز به مدیریت درست و برنامه‌ریزی مناسب دارد، که میدان دادن به بخش خصوصی، گرفتن مالیات از کالاهای وارداتی، دادن یارانه به تولیدات داخلی می‌تواند برخی از راهکارهای مناسب در این دوران باشد. حمایت هدفمند دولت از صنایع تولیدی، تمرکز بر بهبود کیفیت کالاهای ساخت داخل و ترویج فرهنگ خرید کالای باکیفیت ایرانی در بین مردم، می‌تواند کمک شایانی به تولید ملی نماید. درواقع دولت باید با یک برنامه‌ریزی دقیق و مدیریتی مناسب، جلوی واردات بی‌رویه کالاهای غیرضروری را گرفته و در عوض سعی کند فناوری‌های نوین و جدید را وارد کند و با حمایت از بخش خصوصی تولیدات داخلی را افزایش دهد. در غیر این صورت لغو تحریم‌ها نه تنها سودی برای کشور نخواهد داشت، بلکه می‌تواند ضربه غیرقابل جبرانی را به اقتصاد کشور وارد کند.

قدر مسلم آنکه، رفع این کاستی‌ها و نگرانی‌ها نیازمند راهکارهایی از جمله تدوین برنامه‌های کلان است. با علم به این نکته که قدرت‌های نوظهور اقتصادی توان و تمایل سرمایه‌گذاری در حوزه‌های نفت، گاز و پتروشیمی را دارند، بهره‌گیری صرف از ظرفیت کشورهای اروپایی در این حوزه‌ها توجیه اقتصادی ندارد. لذا در کوتاه مدت باید به این امر توجه داشت که توازن بخشی و تنوع‌سازی شرکای تجاری از سوی ایران یکی از الزامات رهایی از وابستگی به کالا یا کشوری خاص خواهد بود. همچنین، تدوین سیاست‌های تجاری مجزا جهت تعامل با هر یک از کشورها امری است که نیاز آن برای ایران در دوران پساتحریم عقلانی به نظر می‌رسد.

هم‌چنین در راستای استفاده بهینه از شرایط پساتحریم به منظور رفع مشکلات اقتصادی کشور می‌توان گفت مصرف بالای انرژی در کشور نقش بسزایی داشته و می‌تواند زمینه‌های ورود به بازارهای به شدت رقابتی جهانی را فراهم آورد. افزایش بهره‌وری و اصلاح نظام مصرف انرژی یکی از موارد مهمی است که در سیاست‌های اقتصاد مقاومتی مورد تاکید قرار گرفته است که می‌تواند به‌عنوان یک برنامه ملی و یک محور اصلی پساتحریم مورد توجه قرار گیرد. میزان مصرف، تناسبی با سطح تولید ناخالص داخلی کشور ندارد. بازار انرژی در داخل، بازاری بزرگ در مقیاس جهانی است و قابل مقایسه با بسیاری اقتصادهای بزرگ است. با اصلاح بازار انرژی، می‌توان در مصرف انرژی صرفه‌جویی کرده و به تناسب آن به افزایش تولید ناخالص داخلی و اشتغال کمک کرد یا در زمینه‌ای دیگر، سرمایه‌گذاری با هدف اصلاح سیستم حمل‌ونقل شهرهای بزرگ، بسیار سودآور و در کاهش مصرف انرژی موثر خواهد بود. سرمایه‌گذاری و اصلاح نظام حمل‌ونقل علاوه بر صرفه‌جویی در مصرف انرژی و تامین هزینه‌های سرمایه‌گذاری صورت گرفته، می‌تواند ظرفیت‌های جدیدی برای سرمایه‌گذاری‌های جدید دیگر نیز ایجاد کند. چنانچه دولت، مردم و شرکت‌های خصوصی بخش انرژی در این بخش مشارکت کنند، چالش ارتباط بانک‌های ایران با نظام بانکی بین‌المللی تا حدودی قابل حل می‌نماید و منجر به ورود منابع به کشور خواهد شد.

در نهایت شایسته است ذکر شود کاهش ریسک سرمایه‌گذاری خارجی و همدلی قوای مقننه و مجریه با یکدیگر و بخش خصوصی در تشویق و ترغیب تجار و کمپانی‌های غربی به سرمایه‌گذاری در حوزه‌های غیرنفتی، ضمن خروج کشور از رکود، منجر به کارآفرینی برای نیروهای جوان متخصص و نیمه متخصص خواهد شد. توجه به اقتصاد دانش بنیان بسار حایز اهمیت است و برخلاف دیگر گونه‌های اقتصادی، بن‌مایه اقتصاد دانش محور، تفکر و ایده انسان‌ها است که نه قابلیت تحریم دارد و نه محدودیت پذیر و کم‌یاب است.

منابع

- بهرامی، محمدرضا. (۱۳۹۴). استقبال سرمایه‌گذاران بزرگ خارجی از مزیت‌های معدنی ایران. ماهنامه بین‌المللی اقتصاد آسیا، ۲۳ (۵۳۵). ص ۱۳.
- بشارت، احسان؛ ارسلان بد، محمدرضا (۱۳۹۹)، بررسی سیاستهای توسعه اقتصادی کشور کره جنوبی و استفاده از آن برای برآورد الگوی تجربی رشد اقتصادی در کشور ایران، فصلنامه دانش تفسیر سیاسی، سال دوم، شماره ۴، تابستان ۱۳۹۹، صص ۱۳۲-۱۰۴ پورفلاح، احمد. (۱۳۹۴). رفع ۳۰ درصد مشکلات جذب سرمایه با لغو تحریم‌ها. ماهنامه بین‌المللی اقتصاد آسیا، ۲۳ (۵۳۵). ص ۱۳.
- جوادی، م. (۱۳۹۴). روابط تجاری ایران و اروپا در دوران پساتحریم. اقتصاد ایرانی. بازبایی شده از: <http://www.ireconomy.ir/fa/page/19124/> (دسترسی ۱۳۹۴، ۲۹ اردیبهشت).
- خسروتاج، م. (۱۳۹۴). تجارت خارجی ایران بعد از بیانیه لوزان. بازبایی شده از: mehrnnews.com/news/2525978/ (دسترسی ۱۳۹۴، ۱۵ فروردین).
- دربانیان، عبدالحمید. (۱۳۹۴). تولید داخلی در دوران پساتحریم. فصلنامه اتاق سمنان (اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی سمنان)، ش ۶. ص ۲۶.
- زمان زاده، حمید. (۱۳۹۴). چشم‌انداز رشد در مسیر توافق. ماهنامه بین‌المللی اقتصاد آسیا، ۲۳ (۵۳۵). ص ۱۲.
- سریع القلم، محمود. (۱۳۹۴). مسیر آینده توسعه ایران. ماهنامه بین‌المللی اقتصاد آسیا، ۲۳ (۵۳۵). صص ۲۹-۲۸.
- فروزنده، رامین. (۱۳۹۴). مراودات خارجی در ایران در دوران تحریم و پساتحریم. ماهنامه بین‌المللی اقتصاد آسیا، ۲۳ (۵۳۵). صص ۱۷-۱۶.
- کوه زاد، حسین. (۱۳۹۴). چشم‌انداز سرمایه‌گذاری خارجی در پساتحریم. ماهنامه بین‌المللی اقتصاد آسیا، ۲۳ (۵۳۵). ص ۱۱.

نصر اصفهانی، محمد. (۱۳۹۴). رونق اقتصاد با سرمایه‌گذاری خارجی. ماهنامه بین‌المللی اقتصاد آسیا، ۲۳ (۵۳۵). صص ۱۲-۱۱.

نیلی، م. (۱۳۹۴). راه سوم اقتصاد در پساتحریم. روزنامه دنیای اقتصاد. بازیابی شده از: donya-e-eqtasad.com/news/976298/ (دسترسی ۱۳۹۴، ۲۲ آذر).

جهش رشد ایران در پساتحریم: [News.tccim. \(1394, 03 24\). Retrieved from https://news.tccim.ir/story?nid=38327](https://news.tccim.ir/story?nid=38327)

اقتصاد مقاومتی، چارچوب وفاق در [Taajeraan. \(1395, 01 09\). Retrieved from https://www.taajeraan.com/index.php/eghtesad-list/1966-2016-03-28-20-57-08#!/#comment](https://www.taajeraan.com/index.php/eghtesad-list/1966-2016-03-28-20-57-08#!/#comment)